

دکتر سیدمرتضی موسوی جاجرمی

استادیار گروه معارف

دانشگاه علوم پزشکی بجنورد

نقش فقها و متکلمین قرن چهارم هجری در گسترش تشیع

چکیده

قرن چهارم هجری، به علت ظهور فقها و متکلمین بزرگ شیعی و نیز روی کار آمدن دولتهای شیعی چند و هم کاهش اقتدار خلافت عباسی - بزرگترین حامی جهان تسنن - یکی از ادوار درخشان و مشعشع تاریخ تشیع به شمار می‌رود. قبل از قرن چهارم هجری مذهب تسنن، بر جهان اسلام غلبیت داشت. اما در قرن چهارم با پیدایش دولتهای شیعی: آل بویه، مصر، حمدانیان زیدیه یمن، علویان طبرستان و ... جریان به سود مذهب تشیع ورق خورد که بر اثر آن نفوذ شیعه در همه جا متجلی گردید.

پیدایش دولتهای شیعی و نیز تلاش و کوشش بی‌وقفه علماء شیعی، دو عامل مهم و اساسی در گسترش و توسعه تشیع در این برهه از زمان به شمار می‌رود. فعالیت‌های فقها و متکلمین شیعه به اشکال مختلف یعنی: جمع‌آوری احادیث، تربیت شاگردان، تدوین فقه و کلام، مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات فکری، تأسیس حوزه‌ها و مراکز علمی، بهره‌برداری از امکانات دولتی، تأسیس مساجد و برگزاری مراسم شیعی ... خود نمایی نمود. نظر به اهمیت این موضوع پژوهش حاضر بر آن است تا نقش و جایگاه متکلمین و فقها را در این رابطه، مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

کلید واژه‌ها: قرن چهارم، گسترش تشیع، دولتهای شیعی، فقها و متکلمین، دین و دولت، میراث

شیعه

علماء، قرن چهارم هجری قمری

قرن چهارم هجری از حیث ظهور فقها و متکلمین برجسته و کثرت تعداد آنها، یکی از ادوار مهم تاریخ تشیع به شمار می‌رود. تلاش و کوشش ائمه معصومین علیهم السلام در تربیت شاگردان و تفسیر و تبیین دستورات اسلام و تحکیم اصول و مبانی مکتب اهل البیت علیهم السلام، آینده جامعه تشیع را تضمین نمود. برخی از علماء قرن چهارم از شاگردان بلافصل ائمه علیهم السلام بودند و گروه دیگر شاگردان

اساتیدی بودند که خود محضر آن بزرگواران را درک کرده بودند. این مسئله در کنار بستر مناسبی که از نظر سیاسی - فرهنگی، روی کارآمدن دولت های شیعه مذهب سده چهارم - مخصوصا آل بویه - برای شیعیان فراهم گردید، سبب شد تا شیعه یکی از درخشان ترین ادوار حیات خویش را درک کند. در اینجا قبل از پرداختن نقش علماء مزبور در گسترش تشیع به برخی از معروفترین آنها اشاره می گردد.

شیخ مفید

ابو عبدالله، محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید در سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ ه.ق در یکی از قرای بغداد به دنیا آمد. پدرش وی را به بغداد آورد. شیخ مفید در محضر علماء عصر خود به تعلیم پرداخت و از گروهی متجاوز از پنجاه استاد، اعم از شیعه و غیر شیعه تلمذ کرد. شخصیت مفید از همان اوان تلمذ و شاگردی خودنمایی کرد تا جایی که استادان بزرگ او به شگفت افتادند و او را به لقب «مفید» ملقب کردند. [۱]

شیخ مفید با عظمت و جلالت قدری که داشت باز از تعرضات و انتقاد و بدگویی ها مخالفین مصون نماند و با آنکه بغداد در آن روزگار در زیر فرمان خاندان شیعی مذهب آل بویه بود باز شیخ دوبار، به علل آشوب های مذهبی بین شیعیان و سفیان از بغداد تبعید شد. [۲]

شیخ مفید در سال ۴۱۳ ه.ق در گذشت در حالیکه در روز تشیع جنازه او هشتاد هزار نفر شرکت کردند و نماز گزار شدند. [۳]

او را نخستین مجدد اصول مذهب شمرده اند که مسائل مذهبی را در پرتو فکر و تحقیق بررسی کرد و آراء او را نماینده آراء و عقاید شیعه دانسته اند. تا پیش از او سنت اخباری گری بر جامعه تشیع حاکم بود اما وی باب اجتهاد را براساس موازین عقلی و کلامی در کنار اخبار و احادیث، در مراکز فکری شیعه مفتوح کرد.

تالیفات شیخ مفید را تا حدود ۲۰۰ اثر نوشته اند که مشتمل بر مسائل متنوع می باشد. مخصوصا مسائلی کلامی و نقد و بررسی عقاید دیگران می باشد. این امر بیانگر آن است که دشمنان شیعه با سلاح فکری به مبارزه آمده بودند و او خود را موظف به مقابله آن افکار انحرافی می دانست.

متأسفانه حوادث زمان بسیاری از آثار وی را از میان برده و تنها مقدار کمی به جای گذاشته است. برخی از تالیفات وی عبارتند از: کتاب الارشاد - رد علی الجاحظ و العثمانیه - کتاب النقض فضیله المعتزله - کتاب النقض علی ابن عباد (در امامت و اصول الفقه) - مصابیح النور - الرساله مقنعه - الکامل فی الدین - حدوث القرآن - العهد فی الامامه ... [۴]

شیخ صدوق

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق محدث، فقیه و متکلم مشهور شیعه می باشد که خدمت زیادی در ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام نمود. نجاشی درباره او می گوید، وی از شیوخ و فقهای ما در خراسان بود که در سال ۳۵۵ وارد بغداد شد. در هنگام جوانی بزرگان طایفه از او حدیث شنیده و فرا می گرفتند. وی کتب بسیاری تالیف کرده است از آن جمله: کتاب التوحید - کتاب النبوه - کتاب علامات آخرالزمان - کتاب اعتقادات - کمال الدین و اتمام النعمه - کتاب صفات الشیعه - کتاب فضل الشیعه و غیره [۵]

ابوالجیش البلخی، المظفر بن محمد احمد خراسانی

طبق گفته نجاشی وی از شاگردان ابی سهل اسماعیل بن علی نوبختی بود که در سال ۳۶۷ ه. فوت کرده است. [۶]

در کتاب معالم العلما آثار وی ذکر شده است: کتاب المثالب - کتاب نقض ماوردی من مناقب الرجال - کتاب نقض العثمانیه للجاحظ - کتاب الامامه - کتاب حضال الکمال.

الناشی الاصغر (الصغیر) ابوالحسین علی بن عبدالله بن وصیف (۲۷۱-۳۶۵ ه.ق)

ابوالحسن علی بن عبدالله بن وصیف از شاعران محب اهل بیت علیهم السلام بود و در این باره قصاید کثیری دارد. او متکلمی زبردست بود و دارای قضائیف فراوان می باشد. [۷]

ابن کثیر می گوید وی متکلمی بارع و از بزرگان شیعه و از متکلمین قرن چهارم بود [۸] نجاشی تصریح می کند که وی کتابی در موضوع امامت دارد [۹]

صاحب بن عباد

ابوالقاسم اسماعیل بن ابی الحسن عباد بن عباس بن عباد احمد بن ادريس طالقانی از دانشمندان، شعراء و متکلمان بزرگ شیعه بود که در سال ۳۲۴ متولد و در ۳۸۵ ه.ق وفات یافت. وی از وزراء مشهور آل بویه به شمار می رود.

شیخ صدوق که کتاب **عیون اخبار الرضا** علیه السلام را به وی تقدیم نمود درباره اش می نویسد: «از آنجا که او محب و دوستدار اهل بیت علیهم السلام است و معتقد به ولایت و امامت و اطاعت آن بزرگواران می باشد ... چون بر بریسمان هدایت و ولایت آنان چنگ زده و طاعتشان را گردن نهاده و امامتشان را پذیرفته است خداوند عزتش را پایدار کند.» [۱۰]

ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلمای خود وی را متکلم، شاعر، نحوی، وزیر فخرالدوله کویهی معرفی کرده است [۱۱]

وی کتابهای زیادی در علوم مختلف به رشته تحریر درآورده و از آن جمله عبارتند از [۱۲]:

- ۱- کتاب محیط (در علم معرفت) ۲- الامامه (اثبات امامت علی علیه السلام) ۳- کتاب الوزراء ۴- الکشف عن مساوی شعر المتنبی ۵- کتاب الاعیاد ۶- کتاب اسماء الله تعالی و صفاته ۷- الکافی فی الرسائل و فضایل النیروز

شیخ ابوالقاسم علی بن احمد بن علی الحزّار الرازی

علامه حلّی در کتاب الخلاصه خود وی را متکلمی بزرگ معرفی کرده و می نویسد وی دارای آثاری در علم کلام و فقه بوده که در ری زندگی می کرد. تالیفات ایشان عبارتند از: الايضاح فی اصولالدين علی مذهب اهل بیت علیهم السلام - کفایه الاثر فی النصوص علی الائمه الاثنی عشر ۳- الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه [۱۳]

ابوالحسین محمد بن احمد بن الحارث الخطیب البساق المعروف با الحارثی

وی از متکلمان برجسته عالم تشیع می باشد که آثاری چند در این رشته از خود بجای گذاشته است از

آن جمله: کتاب فی الامامه - کتاب نوا در علم القرآن [۱۴]

ابوالحسین الشمشاطی

علی بن محمد العدوی شمشاطی از متکلمان قرن چهارم صاحب کتابهایی در علم کلام می باشد از آن جمله: مختصر فی فئه اهل البیت علیهم السلام - رساله البرهان فی النص الجلی علی امیرالمومنین علیه السلام - الرساله الجامعه و فی النایحه و غیره ...

فضل بن عبدالرحمن بغدادی

طبق تصریح نجاشی وی از متکلمان ماهر و صاحب کتاب الامه کبیر می باشد [۱۵]

ابومحمد یحیی بن الحسین العلوی

طبق گفته نجاشی وی اصلاً اهل نیشابور از طایفه بنی زباره از سادات علوی و متکلم و فقیه بوده است [۱۶] وی در سال ۳۷۶ فوت می کند (سمعانی، الانساب ...) در حالیکه کتابهای چندی از قبیل کتاب توحید، کتاب ابطال القیاس ... از خود بجا گذاشته است. [۱۷]

ابوجعفر احمد بن محمد بن رستم بن نردیان طبری (اواسط قرن چهارم)

نجاشی درباره وی می نویسد و از اصحاب ما، کثیرالعلم و ماهر در علم کلام که کتاب المسترشد فی الامامه و کتاب النحو از او است. سپس اضافه می کند که وی غیر از محمد بن جریر طبری صاحب کتاب تاریخ بزرگ می باشد. [۱۸]

ابن شهر آشوب نیز در معالم العلما وی را معرفی کرده، آثارش را نام می برد. [۱۹]

ابوجعفر جعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی

وی از متکلمان بزرگ شیعه در قرن سوم و اوایل چهارم بوده که در ری می زیست. ابن الندیم ایشان را از متکلمان ماهر شیعه شمرده و کتاب الانصاف فی الامامه و کتاب الامامه را برای او نقل کرده است. [۲۰]

نجاشی وی را متکلمی عظیم القدر و خوش عقیده و قومی در استدلال معرفی کرده است. [۲۱] شیخ صدوق در کمال الدین خود می نویسد: «ابوالحسن علی بن احمد بشار در مسئله غیبت بر ضد نظریه ما

سخنانی گفت و ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی با براهین بسیار واضح به جوابگویی پرداخت» [۲۲]

ابوالحین محمد بن بشر الحمدنی السوسجودی

وی از متکلمان بزرگ قرن چهارم هجری بوده که کتابی در کلام تصنیف نموده است [۲۳] و طبق گفته ابن حجر وی فردی زاهد و با ورع بود که «مصنفانی در نصرت و یاری مذهبش» نوشته است [۲۴] تالیفات او عبارتند از: الانقاذ فی الامامه [۲۵]، المقنع فی الامامه [۲۶]

شیخ ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابوسهل نوبختی

علامه حلّی، (حسن بن مطهر در اول شرح خود بر کتاب یاقوت، درباره وی می نویسد: شیخ مقدم و پیشوای اعظم، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت قدس الله روحه الزکیه و نفسه العلیه، کتاب کوچکی به نام یاقوت تصنیف کرده است که محتوای مسائل بسیار عالی و شریف و مباحث بسیار، گرانقدر و عالی است. با وجود حجم کم، علم فراوانی را در بر گرفته است که فهم آن مشکل است. [۲۷]

ابوالقاسم علی بن احمد الکوفی

علی بن احمد کوفی از فضلاء مذهب شیعه امامیه که از جمله کتابهای وی الاوصیاء می باشد. [۲۸] نجاشی در کتاب خود تصریح می کند که وی کتبی زیادی نگاشته آنگاه تا ۵ عدد بر می شمارد که برخی از آنها عبارتند از: کتاب الانبیاء، کتاب الاوصیاء، کتاب البدع المحدثه، کتاب التبدیل و التمرین، مختصر فی الامامه، التوحید، الرد علی زیدیه، تثبیت المعجزات ...

علی بن احمد کوفی در اصل اهل فسا ایران بوده که در سال ۳۵۲ ه. ق فوت کرده است. [۲۹]

ابوجعفر (ابومحمد - ابواحمد) محمد بن علی بن عبدک جرجانی

ابن شهر آشوب وی را پیرو مذهب امامیه معرفی کرده است. [۳۰] نجاشی نیز می نویسد که وی از بزرگان متکمین امامیه است که دارای تالیفاتی زیادی می باشد. [۳۱]

سمعانی نیز از قول الحاکم تصریح کرده که وی «موصوف به حسن نظر و رای در علم کلام است.» [۳۲] از جمله تالیفات وی عبارتند از: کتاب التفسیر القرآن - کتاب رد بر اسماعیلیه - کتاب مطلع الهدایه - کتاب الکلام فی الفرقه المثبه لرویه الله تعالی.

محمود بن الحسين

ابوالفتح محمود (محمد) بن حسن بن حسين بن سندی بن شاهک شاعر معروف به کشاجم طبق گفته ابن شهر آشوب از شعرا و متکلمان و منجمان شیعی بوده است. [۳۳] لفظ کشاجم گرفته شده از ۴ کلمه: کاتب، شاعر، متکلم و منجم می باشد. طبق گفته صاحب کشف الظنون وی در سال ۳۵۰ فوت کرده است [۳۴]

کتاب المصائد و المطارده از ایشان می باشد. [۳۵]

ابوالحسن علی بن الحسين المسعودی (متوفی ۳۴۶ هـ)

مسعودی از متکلمین امامیه شمرده می شود و در این زمینه کتابهایی نوشته که از آن جمله عبارتند از: اثبات الوصیه لعلی بن ابی طالب علیه السلام، الصفوه فی الامامه، الاستنصار که ذکر اینها در کتاب مروج الذهب آمده است. وی در سال ۳۴۶ هـ ق فوت کرده است. [۳۶]

نجاشی در رجال خویش وی را شیعه می داند. مسعودی در کتاب مروج الذهب و التنبیه و لاشراف نام ۳۴ اثرش را آورده است. که با دو کتاب مذکور جمعا ۳۳۶ اثر می باشد.

برخی از آنها عبارتند از: اخبار الزمان - مروج الذهب - التنبیه و لاشراف - الاوسط - فنون المعارف - ذخائر العلوم - الاستذکار لماجرى فی سالف الاعصار - المقالات فی اصول الديانات - کتاب الخوارج - الرسائل - فی احوال الامامه - المسالك و الممالک ... [۳۷]

ابومحمد حسن بن موسی نوبختی (متوفی ۳۱ هـ ق)

ابومحمد حسن نوبختی، نامی است درخشان در میان نامهای بزرگان و متفکران و در خاندان نوبخت از لحاظ فرهنگ و فضل درخشان ترین چهره می باشد «او فیلسوف و متکلم امامی ثابت العقیده و موثق، بزرگ امامیه و متکلم مبرز در میان نظیران خود در زمان خویش بوده است [۳۸] طبق گفته ابن الندیم وی در «جمع آوری کتاب نیز علاقه مند بود و کتابهایی به خط خود استنساخ کرده بود و او را در علم کلام و فلسفه و غیره تالیفاتی است. [۳۹]

آدم متر خاورشناس درباره او گفته است: «نوبختی مولف اولین کتابی است که در بیان آراء و عقاید و شرح ادیان و مذاهب مقام و موقعیتی دارد و از ناقلان و مترجمان کتابهای یونانی به زبان عربی» می باشد. [۴۰]

وی به جزء فقه و کلام و فلسفه در سایر علوم نظیر نجوم، هیئت، و طبیعیات نیز تبحر داشته است و در زمینه های مختلف متجاوز از ۴۵ جلد کتاب تالیف کرده است که برخی از آنها عبارتند از [۴۱]:

کتاب الآراء و الדיانات - الاحتجاج - اختصار - الارزاق و الآجال و اسعار - الاستطاعه - الاعتبار و التمييز و الانتصار - الانسان - التنزيه و ذکر متشابه القرآن - التوحيد و حدوث العلل - التوحيد الصغير - التوحيد الكبير - التوضيح في حروب اميرالمومنين عليه السلام - الجماع في الامامه - كتاب في الخبر الواحد و العمل به - الخصوص و العموم - الرد على اصحاب التناسخ - الرد على فرق الشيعة ما عدالاماميه - الرد على المنطق - فرق الشيعة - الرصد على بطلميوس - الرد على الواقفه - الرد على المنجمين - ...

یکی از آثار معروف نوبختی کتاب الآراء والديانات می باشد که در پیرامون مکاتب، ملل و نحل مختلف می باشد. در رابطه با ارزش و اعتبار این کتاب همین بس که محل رجوع بسیاری از علماء در طول تاریخ بوده است. شیخ مفید در کتاب الفصول المختاره [۴۲] بغدادی (متوفی ۴۲۹ ه.ق) در کتاب الفرق بین الفرق بغدادی، شهرستانی، (متوفی ۴۴۹) در کتاب الملل و النحل ابن ابی الحدید در کتاب شرح نهج البلاغه [۴۳] و دیگران بوده است. مسعودی در مروج الذهب به این کتاب اشاره کرده است. [۴۴]

ابن جوزی نیز در کتاب خویش تلیس ابلیس بدان رجوع کرده نموده است. [۴۵]

ابومحمد الحسن بن علی بن ابن عقیل العمانی معروف به ابن عقیل عمانی الخداء

ابن عقیل از فقها و متکلمان برجسته شیعه در قرن چهارم بوده که صاحب تالیفاتی چند است که از آن جمله می توان به التمسک به حبل آل الرسول (علیهم السلام) و الکر و الفر اشاره نمود. [۴۶] علامه در «خلاصه» خود ایشان را فقیه، ثقه و متکلم معرفی کرده است. [۴۷]

اسماعیل نوبختی، ابوجعفر محمد بن علی بن اسحق (قرن چهارم)

سید محسن امین درباره وی می نویسد: در کتاب خاندان نوبختی او را جزء متکلمین نوشته اند و کلام را از برادرش ابی سهل اسماعیل نوبختی آموخته است. [۴۸]

محمد بن القاسم، ابوبکر البغدادی (اوایل قرن چهارم)

نجاشی درباره وی می نویسد یکی از بزرگان شیعه که در سال ۲۵۱ متولد و در سال ۳۳۸ ه وفات یافته است. [۴۹] بنابراین وی از متکلمین اوائل قرن چهارم می باشد.

اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت (متوفی ۳۱۱ ه.ق)

از بزرگان و اعیان و وجوه شیعه امامیه و از پیشوایان علم و فلسفه و از اعلام و برجستگان متکلمان در قرن سوم و چهارم هجری بود. [۵۰]

علاوه بر آشنایی با فلسفه و کلام، به فقه و حدیث نیز آشنایی داشت و همه علوم و دانشهای زمان خود را دارا بود و در عین حال شاعر و ادیب نیز بود در واقع در راس نهضت فکری قرن چهارم قرار داشت. بزرگان طایفه شیعه و برجستگان متکلمان امامیه در قرن چهارم و پنجم به یک یا دو واسطه از شاگردان ابوسهل اسماعیل نوبختی بودند. [۵۱]

نجاشی می گوید: «او شیخ متکلمان از اصحاب ما بود. او را در دنیا و دین جلالت و عظمتی بود، روشی چون روش وزیران همراه جلالت کاتبان و دبیران داشت.» [۵۲]

ابن الندیم نیز می نویسد: او از بزرگان شیعه بود و ابوالحسن ناشی می گفت اسماعیل استاد او مردی فاضل، عالم و متکلم بود و مجلسی داشت که گروهی از متکلمان در آن حاضر می شدند. [۵۳]

وی تالیفات زیادی دارد که حدود ۳۳ کتاب وی در موضوعات کلامی است و ۱۵ کتاب در رد و نقض بر متکلمان معروف دیگر است. برخی از آثار وی عبارتند از: الاستیفاء فی الامامه - التنبيه فی الامامه - الجمل فی الامامه - کتاب الحاکی و المحکی - ابطال القیاس - تثبیت الرساله - الخصوص و العموم - الانوار فی تواریخ الائمه الاطهار و علیهم السلام - التوحید - الارحاء - کتاب نفی و الاثبات - کتاب فی الاستحاله الرویه القدیم تعالی - کتاب حدوث العالم - الملل و النحل - الرد علی محمد بن

الازهری - الرد علی الطاطری - کتاب الرد علی الغلاه - کتاب الصفات - کتاب الخواطر - کتاب المغفره

سید مرتضی یا شریف مرتضی

ابوالقاسم علی بن ابی احمد حسین بن موسی موسوی (۳۵۵-۴۳۶ ه.ق)، سید مرتضی معروف به ذوالمجدین و علم الهدی در ماه رجب سال ۳۵۵ ه.ق متولد شد و در ماه ربیع الاول سال ۴۳۶ ه.ق درگذشت و در خانه خود بغداد دفن شد، سپس او را به کربلا منتقل کردند و در مشهد امام حسین علیه السلام به خاک سپردند.

علم الهدی بزرگترین شخصیت شیعه اواخر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری در علم و فقه، کلام، ادبیات، لغت و دانشهای دیگر بود. فقهی که پیشوای امامیه در آن دوران به او رسید و در علم کلام و فلسفه اسلامی همچنین در علم نجوم شهرت بسزایی یافت. آراء و آثار سید مرتضی گنجینه کاملی از عقاید و آراء شیعه امامیه محسوب می شود.

سید مرتضی از لحاظ مالی در آسایش کامل بود و ثروتی فراوان و درآمدی کافی داشت که به او امکان می داد با روزی تامین شده و فارغ البال زندگی کند و مشاغل دنیوی و نیازمندیهای زندگانی و آن گونه که سایرین را مشغول می داشت او را مشغول نمی کرد و هیچ امری مانع مطالعه و درس و تحقیق و صرف کوشش او در تالیف و تسلط بر تمام معارف اسلامی نمی شد و از این رو رهبر و پیشوای مردم در امور دین و دنیا به شمار می رفت. مقام او به جایی رسید که ابن اثیر او را از مجددان مذهب امامیه در آغاز سده چهارم شمرده است.

سید مرتضی آثار تالیفی فراوانی از خود به جای گذاشت سه کتاب او به نامهای الشافی در امامت، تنزیه الانبیاء و الامالی، نمونه درستی از طرز فکر امامیه را در کلام نشان می دهد. تعداد کتابهای وی را تا ۸۰ اثر ذکر کرده اند. برخی از آنها عبارتند از: الانتصار - الناصریات - الشافی فی الامامه - انقاذ البشر من الجبر و القدر - المحکم و المشابه - تنزیه الانبیاء - الاصول الاعتقادیه - الفصول المختاره - الولایه عن الجائر و یا الولایه من قبل الظالمین - المقنع فی الغیبه - احکام اهل الآخره - الذریعه الی اصول الشریعه -

سید مرتضی شاگردان زیادی تربیت کرد که هر کدام از آنها خود از علماء بزرگ و مفاخر شیعه به شمار می روند. به هر حال «تاثیر آراء سید در نظرات دانشمندان پس از او بخوبی از تالیفات آنان مشهود است، در تمام مسائل آراء خاصه او را نقل و چه بسا از او پیروی کرده و احیاناً با او به مخالفت برخاسته اند، در بسیاری از موارد عین عبارات او را نقل کرده اند.» [۵۴]

تدوین و تبیین اصول و مبانی فقه شیعه

فقه در لغت به معنای دانش، دریافت علم، زیرکی، ادراک می باشد و فقیه به کسی گفته می شود که دانا به احکام شرع باشد [۵۵]

فقه در اصطلاح فقها، عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل های تفصیلی آن [۵۶]

تاریخ فقه اجتهادی شیعه به شکل کنونی آن در واقع از بعد از دوره غیبت صغری شروع شده است. تا قبل از آن دوره به دلیل حضور معصوم (پیامبر و امامان علیهم السلام) نیازی به تفقه در احکام دینی احساس نمی شد. البته این بدان معنا نیست که در این دوره هیچگونه فعالیت های فقهی انجام نمی گرفته بلکه برعکس شواهدی وجود دارد که پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام به علت بعد مسافت افرادی را که در احکام تخصص داشتند به نواحی مختلف اعزام می داشتند. چنانکه طبق گفته شیخ طوسی، علی بن مسیب به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «راه دور است و من نمی توانم هر وقت خواستم خدمت شما برسم، از چه کسی احکام دین خود را سوال کنم؟ امام فرمود: از زکریا بن آدم قمی که امین بر دین و دنیا است.» [۵۷]

در تقسیم بندی که از ادوار مختلف تاریخ فقه شیعه امامیه به عمل آمده، این دوره یعنی دوره بعد از غیبت صغری، تا نیمه اول قرن پنجم جزء دوره دوم ذکر شده که از جمله امتیازات آن یکی این است که: «در این دوره برای اولین بار کتب فقهی فتوائی به صورت بالنسبه نظری ولی به طور ابتدایی تالیف شد.» [۵۸] دربارۀ اهمیت قرن چهارم هجری در تاریخ فقه شیعه آمده:

«فقه شیعه بر پایه اجتهاد، برای نخستین بار بوسیله ابن عقیل عمانی (متوفای اوایل قرن چهارم هجری) معاصر کلینی بنیاد نهاده شد. پس از او محمد بن جنید اسکافی (متوفای اواسط قرن چهارم) راه او را دنبال کرد و پایه های اجتهاد و استنباط فقهی را محکم تر کرد. اینها به قدیمین معروف هستند. شیخ

مفید (م ۳ ه) و سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ه) نیز راه اجتهاد را هموار کردند، تا این که نوبت به شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه) رسید. فقه شیعه به وسیله این مرد بزرگ به مرحله شکوفایی رسید؛ او افزون بر تالیف ۲ کتاب حدیثی معتبر تهذیب و استبصار، به تدوین کتابهای فقهی و اجتهادی همت گماشت و

کتابهای **نهایه، مبسوط و خلاف** را در فقه به رشته تحریر درآورد. [۵۹]

در این دوره فقهای بزرگ و کثیری ظهور کردند که برخی از معروف ترین آنها عبارتند از:

- علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷ ه)

- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (۳۲۹ ه)

- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه (۳۹۸ ه)

- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی (۳۲۹ ه) پدر شیخ صدوق

- محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به ابن بابویه و صدوق (۳۸۱ ه)

- محمد بن احمد بن جنید، معروف به اسکافی و ابن جنید (۳۸۱ ه)

- ابن ابی عقیل عمّانی

- ابو عبدالله، محمد بن بن نعمان حارثی عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید (۴۱۳ ه)

- علی بن عیسی رمانی (۳۸۴ ه)

- محمد بن عمران مرزبانی (۳۸۴ ه)

- ابو غالب زراری (۳۶۸ ه)

- ابوبکر محمد بن عمر جعابی (۳۵۵ ه)

- ابو عبدالله حسین بن علی جعل بصری (۳۶۹ ه)

توسعه علم کلام

کلام علم به قواعد و مسائلی است که به وسیله آن توانایی بر اثبات اصول دین و دفع شبهات با دلیل و برهان و تطبیق آنها با قواعد عقلیه حاصل می گردد. [۶۰] مسائلی که مربوط به عقاید و اصول دین است علم کلام و آنچه با فروع دین ارتباط دارد فقه نامیده می شود. بقول شهید مطهری تعلیمات اسلامی

بطور کلی در سه بخش متمرکز گردیده است که عبارتند از عقاید، احکام و اخلاق. «اولی را علم کلام، دومی را فقه و سومی را اخلاق نامیده اند.» [۶۱]

تاریخ پیدایش علم کلام در اسلام از منظر شیعه، به زمان امام علی علیه السلام برمی گردد. گرچه مذاهب و مکاتب دیگر (سنت - معتزله - خوارج) تلاش کرده اند تا پیدایش آن را به خود نسبت دهند اما این ادعا دلیل تاریخی ندارد. اهل تسنن [در اوایل] علم کلام غور و تفحص نکرده و خوارج نیز خود قائل به ایفای نقش در تاسیس آن نیستند. بنابراین علم کلام بر محور شیعه و معتزله دور می زند. اما باید توجه داشت که سابقه تاسیس مذهب اعتزال به قرن اول هجری بر می گردد زیرا تولد موسس آن یعنی واصل بن عطاء در سال ۸۰ هـ رخ داده است. بنابر این شیعه در تاسیس علم کلام بر همه مذاهب تقدم و سبقت دارد. [۶۲]

عمر خلیفه دوم براساس نقل منابع اهل سنت با هر گونه بحث در مباحث مذهبی، حتی با سوال و تفحص از معنی عبارات و کلمات دشوار قرآن مخالفت می ورزیده و خود هرگز درگیر این مباحث نمی شده است. [۶۳] به پیروی از ایشان اکثر بزرگان مذهب تسنن از ورود به مباحث کلامی امتناع می کردند.

در مذهب شیعه تا زمانیکه امامان معصوم علیهم السلام حضور داشتند، نظر به اینکه امام بالاترین و عالی ترین مرجع دین به شمار می رفت و همه سوالات به او ارجاع داده می شد. «پس جایی برای اجتهاد و استدلال عقلانی و به تبع، بحث و مناظره و زور آزمایی در مباحث دینی نمی بود، از آن گذشته بحث در مسائلی از قبیل صفات باری و جبر و قدر که درباره آن اندیشه بشری راه به جایی نمی برد ناشایسته تلقی می شد. با این وجود نظر به شیوع برخی افکار کلامی بین مسلمانان بر اثر ورود افکار التقاطی خارجی (یونان، هند و ...) برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام در این رشته مهارت پیدا کرده تحت نظر امام به سوالات کلامی در محافل و مجالس و مناظرات پاسخ می دادند. با این وجود در این دوره در نزد شیعه عقل هر چه را تجویز می کرد باید به تاثیر امام معصوم علیه السلام می رسید.» [۶۴]

بنابراین مکتب کلامی شیعی بعد از عصر امامت از قرن چهارم به بعد شروع به شکل گیری و بالیدن کرد که ابتدا از بغداد شروع شد. دلیل آن این بود که قم «کانون اصلی حدیث امامی بود.» [۶۵] به عبارت دیگری مکتب اخبارگری بر آن سیطره یافته بود اما بقول مادلونگ:

«در طی سده چهارم (دهم با پیدایش مکتب کلام امامی در بغداد که از کلام عقلانی و روش شناسی فقهی در برابر پیوستگی بی چون و چرا به حدیث جانبداری می کرد، مکتب قم به افول گرائید. شیخ مفید (م، ۱۰۲۲/۴۱۳) نخستین رهبر آن مکتب آشکارا با این بابویه صدوق سخنگوی اصلی مکتب قم و معلم خود به مخالفت برخاست و کتابی در تصحیح پایگاههای او نوشت در آن کتاب وی عالمان قم را خشویه شیعه (نامگذاری اهانت آمیز از محدثان سنی) خواند و ادعای ایشان را که حافظان شیعه دوازده امامی اند نادرست دانست. شاگرد و جانشین او شریف مرتضی علم الهدی (م ۱۰۴۴/۴۳۶) عقل گرایی را گامی به پیش رانده همانند معتزلیان اصرار می ورزید که خرد (عقل) به تنهایی و بی یاری وحی باید بنیادهای دین را کشف کند. او بیش از شیخ مفید به دانشمندان قم حمله می کرد.» [۶۶]

علم کلام ابزاری بوده که متکلمان برای اثبات عقاید خود و رد نظر و عقاید مخالفان به کار می بردند. در تاریخ شیعه در قرن چهارم بعضاً این اختلافات جنبه درون گروهی نیز داشته است. به طور مثال درباره بعضی از صفات پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام مانند عصمت و علم غیب اختلافاتی بین دو حوزه قم و بغداد وجود داشته که شیخ صدوق و قمیها قائل به جواز سهو نبی صل الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام شدند در حالیکه شیخ مفید و بغدادیها معتقد به عدم جواز آن بودند. [۶۷]

به هر حال قرن چهارم و قرن پنجم هجری از ادوار درخشان توسعه و رشد علم کلام به شمار می رود که دلیل اصلی آن گسترش این رشته در میان اهل تسنن بود و چون شیعه به علت حضور ائمه علیهم السلام چندان جدیتی در این زمینه مبذول نمی داشت بر اثر هجوم علمی اهل تسنن به شیعه، این مذهب نیز ناچار به اهمیت دادن به این فن شد.

در قرن چهارم متکلمین بزرگی ظهور کردند که بار سنگین این رسالت را به خوبی به دوش کشیدند و شیعه را از تهاجمات فرهنگی مخالفین نجات دادند. در این میان شیخ مفید که بخش اعظم حیات پربار خویش را در قرن چهارم (۴۱۳ هـ) گذرانده بود بیشترین نقش را ایفا نمود.

«شیخ مفید در ابداع و تعمیم و توسعه این مکتب کوشید و با استفاده از مبانی علم کلام و اصول فقه راه بحث و استدلال را بر روی شیعیان گشود. اصول فقه را که مانند علم کلام در عصر ائمه طاهریں کم و بیش متداول و معمول بود و اساس نوین آن را استادش ابن جنید اسکافی و پیش از او ابن عقیل عمانی فقیه معروف شیعه پی ریزی کرده بودند، ولی هنوز مورد توجه دانشمندان شیعه قرار نگرفته بود، به صورت دلپذیری درآورد.» [۶۸]

طبق گفته ابن ندیم شیخ مفید در زمان خود «ریاست بر شیعه امامیه در فقه و کلام و آثار دارد.» [۶۹] برخی دیگر از مهمترین متکلمان قرن چهارم عبارتند از:

ابومحمد حسن بن علی بن ابن ابی عقیل عمانی

وی در فقه و کلام یکی از ارکان مذهب شیعه محسوب می گردد که در دو رشته مزبور کتابهای فراوانی را عرضه داشته است. [۷۰]

- ابوعلی محمد بن احمد بن جنید کاتب اسکافی (بعد از ۳۵۰ هـ) «از مفاخر طائفه و اعظم فرقه شیعه و افاضل قدمای امامیه است، و از نظر علم و فقه و ادب و تصنیف و نیکوئی تحریر و دقت نظر بر همه آنها فزونی دارد. او دانشمندی متکلم، فقیه محدث، ادیب و دارای دانش وسیع بوده» [۷۱]

- ابومحمد یحیی بن الحسین العلوی انیسابوری (۳۰۵ هـ) از طایفه بنی زیاد که بقول ابن شهر آشوب که در پیرامون امامت کتب زیادی را نگاشته است. [۷۲]

- ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه الرازی (اوائل قرن چهارم) طبق گفته ابن ندیم از متکلمان حاذق شیعه که کتب زیادی در مورد کلام نوشته است از آن جمله: «الانصاف فی الامامه»، «الامامه». [۷۳]

- ابوالحسین محمد بن بشر سوسنگردی معروف به حمدونی [۷۴]

- ابومحمد الحسن بن موسی نوبختی پسر خواهر سهل اسماعیل بن علی (۳۱۰ هـ) که صاحب الفرق و الدیانات می باشد. [۷۵]

- ابوسهل اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت (۳۱۱ هـ) [۷۶]

- ابوجعفر محمد بن علی بن اسحق [۷۷]

- مسعودی، علی بن حسین کتابهای اثبات الوصیه و صفوه فی الامامه ... متعلق به وی می باشد. [۷۸]

- ابوجعفر محمد جریر بن رستم طبری آملی [۷۹]

- ابواسحق ابراهیم بن اسحق بن ابی سهل بن نوبخت، (نیمه سده چهارم)، صاحب کتاب «الیاقوت» در

علم کلام می باشد. [۸۰]

- ابوالقاسم علی بن احمد کوفی (۳۵۲ هـ)

- محمد بن علی بن عبدک جرجانی (بعد از ۳۶۰ هـ)

- ابوالحسین علی بن عبدالله (۳۶۵ هـ)

- صاحب اسماعیل بن عباد (۲۸۵ هـ)

- علی بن احمد خزار (سده چهارم)

- ابوالحسن علی بن محمد عدوی شمشاطی (سده چهارم)

- فضل بن عبدالرحمن بغدادی (سده چهارم)

تدوین و جمع آوری و تنقیح احادیث

قرآن و سنت دو رکن اساسی دین اسلام به شمار می روند. سنت مشتمل است بر قول، فعل و تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله که شیعه آن را بر امامان معصوم علیهم السلام نیز تعمیم می دهد. [۸۱] اهل تسنن بعدها، قول و عمل صحابه را در احکام، به عنوان بخشی از حدیث منبع احکام قرار دادند. [۸۲] از این رو یکی از مهمترین منابع فقه سنت می باشد که قسمتی از آن بصورت حدیث بیان شده است. مسلمانان و از جمله شیعه برای رفع مشکلات و مسائل فقهی از همان آغاز مبادرت به جمع آوری احادیث نموده اند.

جمع آوری حدیث در طول تاریخ حیات خود فراز و نشیب های فراوانی از آن جمله دوره منع حدیث و دوره آزادی انتشار و تدوین آن داشته است.

تاریخ تدوین حدیث در نزد شیعه به دوران پیامبر اسلام صل الله علیه و آله می رسد. هر یک از امامان علیهم السلام اصحابی داشتند که به نقل احادیث مبادرت می ورزیدند چنانکه نجاشی طبقه نخست حدیث نویسان را به اصحاب امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام می داند.[۸۳]

در عین حال دوره امامت امام باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام بهترین فرصت را از نقطه نظر تاریخ حدیث برای شیعه فراهم کرد تا به تدوین و جمع آوری احادیث اقدام کنند. چنانکه تعداد ۴۰۰ کتاب که به آنها «اصل» می گفتند فقط در زمان امام جعفر صادق تالیف گردیده است. بعد از این دوره نیز روند تدوین حدیث ادامه پیدا کرد و کتب متعددی در این زمینه نوشته شد. طبق نوشته ابن شهر آشوب در معالم العلماء، حسین بن سعید کوفی از اصحاب امام رضا علیه السلام ۳۰ کتاب [۸۴] و محمد بن عمیر از اصحاب آن امام علیهم السلام از اصحاب امام رضا ۹۴ کتاب و صفوان بن ابی بجای از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السلام ۳۰ کتاب نوشتند که اغلب تحت عنوان «جامع» معروف بوده است. این مجموعه ها بعدا به مهمترین منبع حدیث نویسانی مانند: شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی گردید.[۸۵]. بدون تردید اهل بیت رسالت و مکتب پر برکت آنها سهم عظیمی در نشر و تدوین حدیث داشته است.[۸۶]

نیاز جامعه شیعه به حدیث بعد از دوران غیبت صغری به علت عدم دسترسی به امامان معصوم علیهم السلام شدید تر شد. به علاوه برای توفیق احادیث علم جدیدی بنام «رجال» بوجود آمده. تهذیب و استبصار تالیف شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰) دو منبع ارزشمند حدیثی و از کتب اربعه شیعه امامیه به شمار میروند.

قرن چهارم هجری یکی از درخشان ترین ادوار تاریخ احادیث شیعه می باشد. زیرا میراث عظیمی از کتب حدیثی (و رجالی) که حاصل تلاش و کوشش و بی وقفه علما و دانشمندان بوده از این دوره باقی مانده است. مهمترین کتب حدیثی شیعه که «کتب اربعه» می باشند در این عصر نوشته شده است. اصول کافی نوشته ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رازی که در دوره غیبت صغری (۳۲۹-۲۶۰) زندگی می کرد می باشد کلینی در سال ۳۲۹ هـ وفات یافت.

کتاب «من لایحضره الفقیه: تالیف ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق از دیگر کتب مهم حدیثی شیعه محسوب می گردد.

در طبقه بندی که از ادوار فقه شیعه به محل آمده قرن چهارم معروف به دوره «محدثان» شده است. «دوره محدثان از حدود غیبت کبری (یعنی اواسط نیمه اول قرن چهارم م تا نیمه اول قرن پنجم را در برمی گیرد. رهبران این دوره که بزرگترین محدثان و فقهای شیعه امامیه محسوب می شوند غالباً در دو شهر مهم مذهبی و فرهنگی آن روزگار، یعنی قم و ری، زندگی می کردند و در تهذیب و تنقیح و تنظیم حدیث شیعه نهایت تلاش خود را مبذول داشتند. کتب حدیثی که در این دوره تالیف شد، اصول منابع فقه شیعه امامیه را تشکیل می دهد. بدون شکل حکومت شیعی مذهب آل بویه در این عصر در پیدایش و رشد و نمو این دوره تاثیر بسزایی داشته است.» [۸۷]

در ادوار قبل کتب حدیثی فراوانی نوشته شده اما امتیاز این دوره از آن جهت است که «محدث تمام روایاتی را که دیگران به طور غیرمنظم نوشته بودند ملاحظه کرده و از آنها آنچه را که به نظرش صحیح می رسید هر کدام را در باب مناسب خود ثبت و ضبط می کرد که وجود کتبی مانند کافی و من لایحضره الفقیه خود دلیل اثبات این مدعا می باشد. [۸۸]

از جمله محدثان معروف دیگر که در قرن چهارم ظهور کردند عبارتند از:

- عبدالعزیز بن یحیی الجلودی (۳۳۰هـ)

- احمد بن محمد سعید الحافظ معروف به ابن عقده زیدی که طبق گفته شیخ طوسی جماعتی از وی روایت می کردند و صد و بیست هزار حدیث با اسنادش حفظ بود. [۸۹]

- محمد بن اسکافی (۳۳۶هـ) که نجاشی درباره وی می نویسد دارای منزلتی عظیم و کثیرالحدیث بوده [۹۰]

- ابو علی محمد بن وشاح (۳۴۶هـ) که ذهبی در تذکره الحفاظ خود از وی یاد کرده است [۹۱]

- ابوبکر محمد بن عمر معروف به ابن الجعابی (۳۵۵هـ) که از اساتید شیخ مفید بوده و طبق گفته ذهبی ۴۰۰ هزار حدیث حفظ داشت و در حفظ روایت مانند نداشت. [۹۲]

- محمد بن جنید (اواسط قرن چهارم)

- قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد معری (۳۶۳ هـ) که کتاب دعائم الاسلام را در حدیث نگاشت. [۹۳]

- حسن بن علی ابو محمد حجال (سده چهارم) [۹۴]

- محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (۳۸۱) که از محدثان بزرگ شیعه محسوب می

شود و کتاب من لایحضره الفقیه را نوشت. [۹۵]

شکل گیری سازمان روحانیت

جامعه شیعه از زمان امام علی علیه السلام تا پایان عصر غیبت دارای تشکیلات منسجمی بود که شیعیان را بوسیله شبکه ارتباطی خویش در نقاط مختلف به هم پیوند می داد. در راس هرم این تشکیلات امام معصوم علیه السلام قرار داشت سپس و کلاء و نمایندگان آنان با حفظ سلسله مراتب خاص قرار داشتند. این تشکیلات در عهد حضور امامان معصوم علیهم السلام عنوان «سازمان و کالت» داشت. لیکن از زمان غیبت کبری همین تشکیلات را می توان تحت عنوان «نهاد مرجعیت» یا «نهاد روحانیت» نامید. در مرکزیت این نهاد شخص عالم فقیه قرار داشت که سایر شیعیان وی را به رهبری جامعه شیعه عملاً می پذیرفتند. بعد از غیبت کبری علمای بزرگی از شیعه مانند شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید رضی، شیخ طوسی در راس این تشکیلات قرار گرفتند و نهضت تشیع را پیش بردند.

متأسفانه تا قبل از تشکیل دولت شیعی بویه بدلیل سلطه جابرا نه امویان و عباسیان نه امامان معصوم علیهم السلام و نه علماء شیعه نتوانستند تشکیلات خود را گسترش بدهند و یا مانند جناح مخالف یعنی تسنن آشکار کنند. اما با روی کار آمدن سلسله آل بویه در نیمه قرن چهارم زمینه ازهر جهت برای شیعیان فراهم شد تا برنامه ها و اهداف خود را جامه عمل بپوشانند. به همین دلیل است که قرن چهارم را می توان دوران شکل گیری نهاد روحانیت و گسترش فعالیت شیعیان در سایه تلاش و کوشش علماء این دوره دانست.

«از آنجا که سازمان روحانیت شیعه در فرایند تاریخی شکل گرفته، یعنی از زمان رسول صلی الله علیه و آله شروع شد و به مرور زمان توسعه یافت، نمی توان زمان مشخص و معینی برای آن ذکر کرد، ولی می توان آغاز فعالیت‌های آن را به صورت سازمانی و شکل یافته تر، یک حرکت جدی و واکنش اجتماعی در برابر شرایط و ساختار فرهنگی آن زمان دانست که محدثان و عالمان دینی انجام دادند. این

حرکت، در قرن چهارم هجری ریشه دارد که با توجه به ساختار فرهنگی جامعه و آرایش مذاهب در آن عصر، زمینه های اولیه اش با تلاش های علمی و مذهبی افرادی مثل کلینی و صدوق پدید آمد، اما شکل گیری و پایه ریزی اساسی آن را به صورت مشخص تر، از زمان حضور شیخ مفید در مجامع علمی و مراکز آموزشی باید جستجو نمود.

... بر این اساس، از نیمه دوم قرن چهارم، شیعیان و عالمان شیعی جایگاه اجتماعی شان را بازیافته و مرکزیت حوزه علمیه شیعه، با مدیریت و مرجعیت شیخ مفید به وجود آمد و هویت فکری شیعه تثبیت گردید. [۹۶]

مرکزیت این سازمان که در واقع می توان از آن تحت عنوان «حوزه علمیه» نیز تعبیر کرد در زمان مراجع آن زمان یعنی شیخ کلینی، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی تا سال ۴۴۷ هـ ق در بغداد بود. در زمان سلسله سلجوقیان در همان سال، بر اثر حمله به خانه شیخ طوسی و به آتش کشاندن کتابخانه غنی وی بدنبال مهاجرت شیخ طوسی به نجف به این شهر منتقل گردید.

وظایف این سازمان متنوع بود. رهبری جامعه شیعه، تعلیم و تربیت شاگردان، پاسخ به سوالات دینی و کلامی - برگزاری مجالس وعظ و خطابه و مناظره - تدوین و جمع آوری احادیث - پایه ریزی اصول و مبانی عقاید شیعه، مبارزه با عقاید بدعت آمیز - رفع شبهات عقیدتی - تبلیغ و اشاعه مکتب اهل بیت علیهم السلام - اتخاذ مواضع سیاسی منطقی با دولت های وقت - برگزاری مراسم مذهبی - دریافت و توزیع وجوهات شرعی ... از جمله مهمترین این وظایف به شمار می رفت.

با ضرس قاطع می توان اذعان نمود که علمای قرن چهارم با تلاش و کوشش جهاد گونه خویش بیشترین نقش را در تحقق اهداف مزبور ایفا نمودند. سبب اصلی ماندگاری تفکر شیعه در قرون بعد را باید مدیون این خدمات دانست.

تاسیس مدارس و مراکز آموزش شیعی

در طول تاریخ اسلام مهمترین مراکزی که برای تعلیم و تربیت شاگردان و طالبان علم مطرح بوده عبارتند از: منازل شخصی - مساجد - مکتب خانه ها و مدارس و دارالعلم ها - بازارچه ها - بیت

الحکمه ها. [۹۷]

در میان شیعیان پیدایش سازمان مدارس بر پایه یک اسلوب شایسته و برتر از قرن پنجم هجری در جامعه اسلامی رسمیت و گسترش یافته بود. [۹۸]

علماء و فقهای قرن چهارم از تمام امکانات موجود آموزشی برای تربیت شاگردان و آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام کمال استفاده را بردند. در واقع با تلاش و کوشش آنها سازمان آموزشی شیعه وارد مرحله جدیدی از تاریخ خویش شد.

نجاشی در کتاب رجال خویش تصریح می کند که خانه ابوعمرو کشی (نیمه اول سده چهارم) «محل اجتماع شیعیان و اهل علم» بوده است. [۹۹]

سید رضی از کسان دیگر است که در تاسیس مرکز علمی و کتابخانه گام بلندی را برداشته است: «سید رضی نه تنها علوم متداول زمان خویش را به خوبی فرا گرفت، بلکه گنجینه دانش و اندوخته های علمی خویش را نیز مخلصانه در اختیار دیگران قرار داد و از این راه عده بی شماری فیض بردند. سید رضی در نزدیکی خانه خویش، در محله کرخ بغداد، مدرسه ای تاسیس کرد و آن را دارالعلم نامید. این مدرسه، ساختمان ها و تالارهایی برای تدریس، سخنرانی و محل برپایی جلسات بحث و گفتگوهای علمی و اتاق هایی برای زیست دانشجویان داشت. در کنار مدرسه، کتابخانه بزرگی با هشتاد هزار جلد کتاب وجود داشت [۱۰۰] که مجموعه ای شامل با ارزش ترین و مهمترین مراجع و منابع عربی و اسلامی را تشکیل می داد.

سید رضی سرپرستی سه بخش مختلف مدرسه را، خود بر عهده داشت و شخصا به امور آن و دانشجویان و کتابخانه رسیدگی می کرد. تلاش او به این دلیل بود که دانشجویان، یا فراغ بال و آسودگی خاطر به درس خواندن مشغول باشند و به همین جهت، تمام هزینه مدرسه و دانشجویان را سید، خود می پرداخت.» [۱۰۱]

تشکیل دولت شیعه مذهب بویه زمینه را از هر جهت برای گسترش فعالیت مراکز علمی شیعه فراهم نمود. خود سلاطین سلسله بویه نیز در این حوزه اقدامات اساسی انجام دادند. چنانکه «ابونصر شاپور بن اردشیر [۳۳۶-۴۱۶ ه.ق.] وزیر بهاء الدوله از آل بویه [۴۰ ه.ق.] در سال ۳۸۲ ه.ق خانه ای را در جانب

غربی بغداد در محله کرخ خرید و پس از نوسازی نام «دارالعلم» بر آن نهاد. و وقف استفاده دانشمندان کرد و کتابهای بسیار نیز بر آن وقف کرد. [۱۰۲]

از همه مهمتر اینکه اداره امور این مرکز بعد از فوت شاپور بن اردشیر به شریف مرتضی نقیب علویان بغداد [۳۵۵-۴۳۶ ه.ق] واگذار شد. [۱۰۳]

تربیت شاگردان

یکی از بزرگترین خدمات فقها و متکلمان شیعه قرن چهارم این است که هر یک از آنها شاگردانی ممتاز و برجسته تربیت کردند که در واقع می توان گفت یکی از اسباب ماندگاری و جاودانگی مکتب اهل بیت علیهم السلام وجود پربرکت آنان بوده است.

شاگردان در مکتب خانه، دارالعلم ها و مدارس آن زمان از اساتید خود کسب علم و دانش می کردند و طبق سنت آن زمان برای نقل احادیث و تدریس دیگر معارف اسلامی باید از اساتید خویش «اجازه نامه» می گرفتند. [۱۰۴]

سنت تعلیم و تربیت به عصر رسالت و امامت می رسد که پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام برای پیاده کردن اهداف و برنامه های خویش همواره در پی جذب افراد لایق و متعهد بودند که مهمترین نمود آن را در شخصیت امام جعفر صادق علیه السلام می توان دید.

در ذیل به نمونه هایی از اساتید فقه و کلام قرن چهارم که شاگردان فراوانی تربیت کرده اند واز این طریق به نشر و گسترش آموزه ها و معارف شیعه پرداختند اشاره می شود:

- شاگردان شیخ صدوق:

حسین بن علی قمی برادر شیخ صدوق- حسن بن حسین بابویه- علی بن احمد نجاشی- ابوالقاسم علی بن محمد خزاز- ابو عبدالله حسین بن عیبدالله غضائری- ابوالحسن جعفر قمی- محمد بن احمد دوریستی- ابوزکریا حمزانی- ابوالبرکات علی خوزی- محمد بن احمد قمی- احمن بن محمد عمری- شیخ مفید- هارون بن موسی تلکبری- عبدالصمد قمی- محمد بن طلحه بغدادی- محمد بن حسن معروف به نعمت- علی بن محمد عمری- علی بن حسین حسینی- حسن بن حسن قمی- ابوبکر محمد

بن احمد [۱۰۵]

شاگردان شیخ کلینی

احمد بن ابراهیم صیمری - احمد بن احمد کاتب کوفی - احمد بن علی بن سعید کوفی - احمد بن علی کوفی - ابو غالب احمد بن محمد زراری - جعفر بن محمد بن قولویه قومی - عبدالکریم بن عبدالله بزاز تنیسی - علی بن احمد دقاق محمد بن ابراهیم نعمانی - محمد بن احمد صفوانی - محمد بن احمد سنانی - محمد بن عبدالله شیبانی - محمد بن علی ماجیلویه - محمد بن محمد کلینی - هارون بن موسی تلعبری [۱۰۶]

شاگردان محمد بن همام:

جعفر بن محمد بن قولویه - محمد بن ابراهیم نعمانی - ابو غالب زراری - شیخ صدوق - هارون بن موسی تلعبری - ابو علی احمد بن سلیمان - عباس بن ماهیا - ابوبکر احمد بن عبدالله وراق دوری - ابو الفضل شیبانی - ابن شعبه حرانی - ابو الحسن احمد بن محمد جراح - محمد بن احمد بن داود و ... [۱۰۷]

شاگردان ابن عقده:

شاگردان وی را تا ۱۹ نفر که همگی برجسته و ممتاز بوده اند نوشته شده اند. [۱۰۸]

شاگردان ابو عمرو کشی:

هارون بن موسی تلعبری - ابو احمد حید بن محمد سمرقندی

شاگردان بن داود قمی:

شیخ مفید - حسین بن عیدالله غضائری - احمد بن عبدون - ابو غالب رازی - ابو العباس احمد بن نوح سیرافی - احمد بن محمد بن داود - محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن سمیع [۱۰۹]

ابو غالب زراری (۵۳۶۸ ق)

هارون بن موسی تلعبری - حسین بن عیدالله غضائری - شیخ مفید - احمد بن عبدون - ابن غرور و غیره [۱۱۰]

جعفر بن محمد قولویه (۵۳۶۸ ه)

هارون بن موسی تلعبری - شیخ مفید - حسین بن عیدالله غضائری - احمد بن عبدون - ابن غرور و غیره [۱۱۱]

شیخ صدوق (۵۳۸۱.ق)

شیخ صدوق از علمای بزرگ عالم تشیع، گذشته از رجال حدیث شیعه و سنی، به افاده و بیان و املاء احادیث اندوخته، به طالبان علم و شاگردان خویش و آماده ساختن آنها برای حفظ و نگهداری کتب و آثار اهلیت عصمت و طهارت اهتمام فراوان داشته است. به همین جهت گروهی از مفاخر علمای شیعه و سنی از شاگردان او بشمار آمده اند، که یا رسماً شاگرد وی بوده اند، یا از ایشان روایت نموده یا اجازه گرفته اند. مرحوم ربانی شیرازی جمعا ۲۷ نفر از شاگردان و راویان وی را ذکر نموده است.

[۱۱۲]

شاگردان حسین بن علی بن بابویه (۵۴۱۸.ق)

ابوالعباس احمد بن علی سیرافی - جعفر بن محمد خرازی - سید مرتضی - شیخ سیدرضی - شریف محمد بن حمزه - حسین محمد قمی - حسن بن محمد عجللی و غیره [۱۱۳]

شاگردان شیخ مفید (۵۴۱۳.ق)

شیخ مفید شاگردان زیادی را تربیت نمود که سرآمد آنها علم الهدی سید مرتضی، سید رضی - شیخ طوسی - ابوالعباس نجاشی - ابوالفتح کراچکی - حسین بن عبیدالله غضائری - ابویعلی محمد بن حسن جعفری - سالار بن عبدالعزیز دیلمی - جعفر بن محمد دویستی می باشند. [۱۱۴]

سید مرتضی (وفات ۵۴۳۶.ق):

بسیاری از بزرگان و مفاخر علم فقه و کلام اعم از شیعه و سنی از شاگردان شیخ سید مرتضی بوده اند. که مهمترین آنها عبارتند از: شیخ طوسی - سالار بن عبدالعزیز دیلمی - عمادالدین ابوالصمصام ذوالفقار مروزی - سید نجیب الدین حسن موسوی - تقی بن ابی طاهر هادی نقیب رازی و غیره [۱۱۵]

قزوینی در کتاب النقص خود می نویسد: «مرتضی (علم الهدی) را رضی الله عنه چهارصد شاگرد فاضل متبحر داشته است» [۱۱۶]

تالیف کتاب و تأسیس کتابخانه

اهتمام مسلمانان به جمع آوری کتاب و تأسیس کتابخانه های شخصی و عمومی بعد از فتوحات اولیه و مخصوصاً از نیمه دوم قرن دوم با تأسیس دولت عباسیان و استقرار امنیت گسترش چشمگیری یافت. در

سایه توجه برخی از خلفا و پادشاهان و وزراء و علما بزودی کتابخانه های بزرگی سر به عرصه وجود گذاشت که بارزترین آن کتابخانه بیت الحکمه بغداد بود.

قرن چهارم هجری که عصر تشکیل امپراتوری آل بویه می باشد به دلیل توجه سلاطین و وزراء آن دولت به تاسیس کتابخانه از حیث تاریخ کتابخانه دوره طلایی محسوب می شود. که مهمترین آنها عبارت بودند از: کتابخانه عضدالدوله در شیراز- کتابخانه صاحب بن عباد- کتابخانه ابوالفضل بن حمید- کتابخانه جیشی پسر معزالدوله- کتابخانه ابومنصور وزیر ابو کالیجا- کتابخانه شاپور پسر اردشیر وزیر بهاءالدوله ابن اثیر در مورد توجه عضدالدوله به علما و دانشمندان و کتاب چنین می نویسد:

«عضدالدوله دوستدار علم و دانش بود و به علما ارج می نهاد و از احسان به آن دریغ نمی کرد و با آنان می نشست تا با هم به مناظره در مسائل پردازند. دانشمندان از هر شهری آهنگ محضر او می نمودند و برای او و به نام او کتابهایی تالیف می کردند.» [۱۱۷]

همانطور که اشاره شد عضدالدوله در شیراز کتابخانه بزرگی تاسیس نمود که مقداری درباره عظمت آن چنین می نویسد:

«در هر سوی آن گنجینه هایی است به همه دیوارهای دالان و آن گنجینه ها اطاقک هایی از چوب منقش به درازای یک قد و پهنای یک ذراع چسبیده است. دفترها بر رفها چیده شده اند، برای هر دسته از اطاقک ها فهرست هایی است که نام کتابها نوشته شده است.» [۱۱۸]

در کنار دانشمندان علوم عقلی، علما و دانشمندان علوم دینی و نقلی شیعه نیز در فرایند توسعه فرهنگی این دوره نقش مهم و بنیادی ایفا نموده اند. آنان گذشته از اینکه خود کتابهایی مختلف تالیف و به جامعه عرضه داشته اند برخی در خود اقدام به تاسیس کتابخانه هایی شخصی یا عمومی کرده اند.

همانطور که قبلا اشاره شد، ابوالحسن محمدالرضی (۳۵۹-۴۰۶) معروف به سید رضی در کنار مدرسه خویش کتابخانه تاسیس نمود که بیش از ۸۰ هزار جلد کتاب در آن موجود بود. [۱۱۹]

همچنین علی بن حسین بغدادی معروف به سید مرتضی (وفات ۴۳۶ هـ) صاحب ۸۰ قریه و کتابخانه ای با ۸۰ هزار جلد کتاب بود. [۱۲۰] وی بیش از ۹۰ تالیف اعم از کتاب، رساله و مقاله در موضوعات مختلف

علمی اسلامی به رشته ی تحریر درآورده است. (موسوی، سید حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد [۱۲۱])

طبیعی است که هدف علما شیعی از تاسیس کتابخانه های مزبور کمک به تولید علم با محوریت علوم اهل بیت علیهم السلام بوده است. چنانکه علامه حلی درباره ی تالیفات سید مرتضی می نویسد: « با وجود کتابهای سید مرتضی، مذهب امامیه از زمان او تاکنون پا بر جا مانده است و او یکی از ارکان و معلمان شیعه بود. [۱۲۲]

فقها و متکلمین قرن چهارم در پیرامون مبانی و اصول عقاید شیعه کتابهای زیادی نوشته اند که برخی از آنها تاکنون هنوز اعتبار و ارزش علمی خود را در محافل فرهنگی حفظ کرده اند.

۱- ثقه الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (وفات ۳۲۹ه.ق) طبق گفته طوسی و نجاشی ۶ کتاب نوشته است که معروفترین آن کتاب «الکافی» است. که مشتمل بر ۱۶۱۹۹ حدیث می باشد که جزء کتب اربعه تشیع محسوب می شود.

۲- محمد بن همام (وفات ۳۳ یا ۳۳۶): صاحب کتاب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار. [۱۲۳]

۳- احمد بن محمد بن سعید کوفی معروف به بن عقده (وفات ۳۳۳ ه): نجاشی تعداد تالیفات وی را تا ۲۴ فقره ذکر کرده است. [۱۲۴]

ابن شهر آشوب در زمینه تالیفات وی می نویسد: احمد بن محمد بن سعید، دانشمند موثق زیدی است، وی کتابهایی برای علمای ما تزییف کرده است مانند کتاب تاریخ و سنن که گویند چهارپایی ان را حمل می کرد و کسی جز او نتوانسته است آنهمه مطالب را گردآورد. [۱۲۵]

۴- ابو عمرو کشی (نیمه اول سده چهارم) صاحب کتاب «الرجال» که در واقع دائرة المعارف رجال شیعه می باشد.

۵- حسن بن علی بن شعبه حرّانی (وفات ۳۳۶ه) نویسنده کتاب «تحف العقول» و «التمحیص». که به قول شیخ عباس قمی در فوائد رضویه «کتابی است نفیس و پرفائده و مشهور بین علماست» [۱۲۶]

۶- محمد بن ابراهیم نعمانی (زنده در ۳۴۲هـ) صاحب کتابهای غیبت- فرائض- ردبراسماعیلیه ... که معروف ترین همان «غیبت» است که «در جامعه شیعه کتابی با این جامعیت و اتقان و اعتبار تاکنون به دست نیامده» [۱۲۷]

۷- محمد بن حسن بن ولید قمی (۳۴۳هـ.ق) شیخ طوسی در الفهرست در باب تالیفات وی می نویسد: «محمد بن حسن بن ولید قمی، دانشمندی جلیل القدر و عارف به رجال و مورد وثوق می باشد. اوراست کتابهای متنوعی در علوم گوناگون که از جمله کتاب «الجامع» و «التفسیر» و غیراینهاست. روایات و کتب او را ابن ابی جید از وی به ما خبر داد.» [۱۲۸]

۸- ابن ابی عقیل عمانی (وفات حدود ۳۵۰هـ) نویسنده کتابهای «التمسک بحبل آل الرسول» و «الکر و الفر» و کتابهای دیگر. [۱۲۹]

۹- ابوالحسن محمد بن احمد بن داود قمی معروف به ابن داود قمی. نجاشی در الرجال خود ۱۲ کتاب وی را ذکر نموده است مانند: کتاب البیان عن حقیقه الصیام، کتاب فی عمل شهر رمضان ...

۱۰- ابوغالب احمد بن محمد بن سلیمان زراری (وفات ۳۶۸هـ) کتابهای زیادی تالیف نموده از آن جمله: «تاریخ» - ادعیه سفر- افضال- رساله و... [۱۳۰]

۱۱- جعفر بن محمد بن قولویه قمی معروف به ابن قولویه. طوسی در الفهرست در باب تالیفات وی می نویسد: «اوراست تصانیف بسیاری به تعداد ابواب و کتب فقه. از جمله کتاب مداوات الجسد- الحیات الابد- کتاب الجمعة و الجماعه- کتاب الفطره- کتاب الصرف- کتاب الوطی بملک الیمین- کتاب الرضاع- کتاب الاضاحی- کتاب جامع الزیارات و آنچه که در آن از فضیلت زیارات از ائمه علیهم السلام روایت کرده است، که خود احادیث بسیاری را تشکیل می دهد و نیز اوراست کتاب فهرست و اصولی که روایت کرده است» [۱۳۱]

۱۲- حسن بن محمد قمی (زنده در ۳۷۸هـ.ق) نویسنده کتاب معروف به «تاریخ قم» که برای صاحب بن عباد نگاشته بود. [۱۳۲]

۱۳- محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به ابن بابویه و نیز شیخ صدوق (وفات ۳۸۱) که با دعای امان زمان علیه السلام متولد شد و صاحب کتابهای فراوانی می باشد که یک عدد از کتابهای وی جزء کتب

اربعه شیعه به شمار می رود که عبارت است از: من لایحضره الفقیه. از کتابهای معروف دیگر وی می توان به عیون الاخبار الرضا علیه السلام- مدینه العلم- توحید- نبوت- مقنع- علل الشرایع نام برد. شیخ طوسی تعداد کتاب های وی را تا ۳۰۰ کتاب ذکر کرده است. خود وی در الفهرست ۴۰ عدد را نام می برد. نجاشی در رجال خود ۱۸۹ کتاب وی را ذکر کرده است.

۱۴- حسین بن علی بن بابویه. وی برادر شیخ صدوق می باشد که با دعای امام زمان علیه السلام بدنی آمد (وفات ۴۱۸ه.ق) در کتاب فوائد الرضویه در باب تالیفات وی آمده: از برای اوست کتابی بر رد واقفه و کتابی نوشته برای صاحب بن عباد [۱۳۳]

۱۵- ابن جنید اسکافی (بعد از ۳۵۰ه.ق) تالیفات وی مطابق گفته ابن ندیم شیخ طوسی و نجاشی جمعا در حدود ۵۰ کتاب می باشد که یکی از آنها «تهذیب الشیعه» می باشد که در ۲۰ جلد نوشته شده است. [۱۳۴]

۱۶- هارون بن موسی تلعکبری (وفات ۳۸۵ه.ق) نجاشی در مورد وی می نویسد: «هارون بن موسی بن احمد بن سعید بن سعید، ابومحمد تلعکبری، از بنی شیبان، چهره ای درخشان در میان علمای ما و دانشمندان موثق و مورد اعتماد بود و جای گفتگو نداشت. اوراست کتابهایی که از جمله کتاب «الجامع فی علوم الدین» است.» [۱۳۵]

۱۷- حسین بن عبیدالله غضائری (وفات ۴۱۱ه.ق) وی دارای کتب زیادی بوده که نجاشی در رجال خویش برخی از آنها را ۱۳ عدد نام می برد از آن جمله: کشف التمیوه و الغمه- التسلیم علی امیرالمومنین بامر المومنین - کتاب نوا در فقه ... [۱۳۶]

یاقوت درباره ی وی می نویسد: «از ادباء و فضلاى هوشمند و دارای خطی زیبا بوده که همچون خط «ابن مقله» است. [۱۳۷]

۱۸- محمد بن محمد نعمان ابو عبدالله معرف به شیخ مفید، «شیخ الطائفه» (وفات ۴۱۳) وی از دانشمندان و علمای بزرگ شیعه می باشد که کتاب های زیادی در رابطه با اصول عقاید شیعه نوشته است. از مجموع روایات نجاشی، طوسی و ابن شهر آشوب و علامه مجلسی می توان چنین نتیجه گرفت که تعداد تالیفات وی بیش از ۱۹۰ کتاب می باشد. [۱۳۸]

ذهبی دانشمند متعصب و معروف تسنن درباره تالیفات از عبارت «تصانیف بدیعه و کثیره» [۱۳۹] یاد کرده است.

۱۹- علی بن حسین بغداد معروف به «سید مرتضی» (وفات ۴۳۶ ه.ق) ابن خلکان درباره تالیفات وی می نویسد: «اوراست تصانیفی بر وفق مذهب شیعه، و گفتاری در اصول دین. دیوان شعر او بزرگ است.. از جمله تالیفات او کتابی است که آن را «غرر و درر» نامیده و مجالسی است که مطالب را املا نموده و مشتمل بر فوننی از معانی ادب است و از نحو و لغت و غیره سخن گفته است.» [۱۴۰] قاضی نورالله شوشتر نیز نوشته: «اوراست تصانیفی در اصول و فروع مذهب تشیع» [۱۴۱]

شیخ طوسی در فهرست خود تعداد کتاب های وی را ۳۷ و نجاشی در رجال و ابن شهر آشوب مازندرانی در معالم خود ۵۲ و رشید صفا در مقدمه دیوان سید مرتضی جمعا ۷۱ کتاب او را نام برده اند. [۱۴۲]

از آن جمله: «الشافی» - کتاب ذریعه - امالی - تنزیه الانبیاء و ...

۲۰- سیاه سوب (وفات ۳۵۹- ۴۰۶ ه) سید رضی یکی از بزرگترین نوایغ شیعه، برادر کوچکتر سید مرتضی می باشد. همانطور که قبلا اشاره شد او مدرسه و کتابخانه ای بزرگ تاسیس کرد و خود صاحب تالیفات فراوانی است که مشهورترین آنها نهج البلاغه می باشد. [۱۴۳]

برخی از علما کتابهای خود را به دولتمردان هدیه می دادند. مانند حسن بن محمد قمی مولف تاریخ قم که کتاب خود را برای صاحب بن عباد تصنیف کرده است. [۱۴۴]

مبارزه با غالیان

غلو بروزن فعول به معنای افراط، ارتقاع بالارفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیزی می باشد. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن [۱۴۵])

در اصطلاح دینی بدین معنا است که «انسان چیزی را که به آن اعتقاد دارد از حد خود، بسیار فراتر برده است» [۱۴۶]

غلوگرایی یک جریان اعتقادی است که در همه ی ادیان به منصفه ظهور رسیده و در مورد مذهب تشیع به کسانی تعلق می گیرد که در مورد برخی از مسائل دینی از ان جمله جبر؛ اختیار؛ عصمت و علم

معصومین علیهم السلام افکاری افراط آمیز پیدا کرده باشد. مخصوصا افراد یا فرقه هایی که به خدایی امامان شیعه یا حلول روح خدایی در آنان اعتقاد پیدا کرده اند. [۱۴۷]

«یکی از مهمترین خطاهایی که شیعه را در طول تاریخ تهدید کرده است، مسئله غالبان و نسبت عقاید آنان به شیعیان است. به طوری که پیوسته مخالفان و دشمنان شیعه آنان را به غلو و زیاده روی در مورد امامان شان متهم می کرده اند.

وجود غلات در میان مسلمانان بیشتر معلول عوامل خارجی بوده است تا عوامل داخلی. دشمنان اسلام با مقابله مستقیم و رویارویی نتوانستند به اسلام ضربه بزنند و اسلام سرزمین های آنان را درنوردید و دشمنانش را شکست داد. از این رو آنان در این صدد برآمدند که از داخل به اسلام ضربه بزنند؛ از این رو اصول نخستین اسلام را مورد هدف قرار دادند.» [۱۴۸]

گرچه قرآن کریم و احادیث معصومین علیه السلام به پرهیز مسلمانان از گرایش به این گونه اعتقادات فراوان وارد شده (قل یا اهل الکتاب لاتغلو فی دینکن رسوره مانده، آیه ۷۷) با این حال جریان مزبور به صورت یک معضل اساسی در اسلام خودنمایی کرد.

جریان غالی گرایی در تشیع که از آن می توان به یک نوع مبارزه فرهنگی دشمن تلقی کرد از دوران خلافت امام علی علیه السلام شروع شد و در طول تاریخ، علی رغم مبارزه شدید ائمه اطهار علیه السلام و اصحابش و نیز علما و فقها شیعی همچنان به حیات خود ادامه داد که دلیل اصلی تداوم آن نیز تا حدود زیادی به حمایت حکام و دولتهای وقت مخالف شیعی از آنها برمی گردد.

در قرن چهارم هجری نظر به شروع دوره غیبت کبری، رسالت علما و فقها برای مبارزه با افکار بدعت آمیز غالبان سنگین تر شد. در این دوره برخی افکار غلوآمیز از آن جمله «مفوضه» که از قبل بوجود آمده بود در جریان بود که با مقابله سرسختانه علمای این دوره مواجه شد. چنانکه آمده:

«مفوضه نیز تا پایان قرن چهارم به کشمکش خستگی ناپذیر خود ادامه داده و همچنان علمای قم را با نام موهن مقصره توصیف می کردند. این کار، شیخ صدوق - بزرگترین و برجسته ترین فارغ التحصیل و نماینده مدرسه قم را که در اواسط و نیمه دوم قرن چهارم می زیست به شدت خشمگین کرد. در رساله اعتقادات که او در تشریح اجمالی مواضع کلامی شیعه نوشته پس از تاکید بر این که از نظر شیعه،

غلات و مفوضه کافر بوده و از همه فرق دیگر کفر و ضلال بدترند می گوید: «نشانه مشخص مفوضه و غلات و نظایر آنان این است که آنان علما و مشایخ قم را به تقصیر متهم می کنند.» [۱۴۹] به نقل از: (مدرسی طباطبای، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل - نظری بر قطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزدپناه (تهران: کویر، ۱۳۸۶، چاپ سوم، ص ۹۵)

به هر حال، عقاید اصولی غلات مانند: رجعت، وصیت، مهدویت، تناسخ، حلول، تشبیه، اعتقاد به الوهیت ائمه علیهم السلام به میان شیعه نفوذ پیدا نکرد. شیعیان به پیروی از امامان خویش به شدت در مقابل آنان ایستادگی نموده بلکه آنان را تکفیر کردند. در این دوره نیز علما شیعی با نوشتن کتب کلامی شیعه با براهین و استدلالها به رد این عقاید پرداختند. [۱۵۰]

برای اینکه نقش علمای شیعی قرن چهارم در زمینه کیفیت مبارزه نقش علما شیعی قرن چهارم در زمینه پالایش مذهب تشیع از اعتقادات اغراق آمیز غالیان بس برجسته و عظیم است. مجالس مناظره و نیز کثرت تعداد کتبی که در این زمینه - غالباً تحت عنوان «ردیه» - از سوی آنان فراوانی نگارش یافته بیانگر این مدعا است که در ذیل به برخی از آنان اشاره می گردد:

۱- کتاب الرد علی الغلاة، نوشته سعد بن عبدالله بن ابی خلف الاشعری قمی (وفات ۲۹۹ یا ۳۰۱ هـ) [۱۵۱]

۲- کتاب رد برغلاة نوشته ابو عبدالله حسین بن عبدالله غضائری. (وفات ۴۱۱ هـ) (دوانی، علی، مفاخر اسلام، چاپ دوم، ص ۲۱۷) [۱۵۲]

مسافرت علما به نقاط مختلف و تاثیر آن در گسترش تشیع

حضور علما و پراکندگی آنها مراکز علمی شیعی شهرهای مختلف، مهمترین نقش را در گسترش شیعه داشته است. قم یکی از نخستین شهرهای شیعه نشین ایران محسوب می شود که مهمترین عامل نفوذ تشیع در آن شهر مهاجرت خاندان اشعری در نیمه دوم قرن اول هجری می باشد. از میان این خاندان علمای بزرگی ظهور کردند. قم بزودی تبدیل به یکی از بزرگترین مراکز علمی شیعه شد که خود مکتب ویژه ای در جهان تشیع عرضه نمود.

در سده چهارم علمای بزرگی از قم برخاستند که در تحکیم و تقویت بنیاد تشیع در آن خطه، بلکه در ایران نقش مهمی ایفا نمودند. در این میان از سهم خاندان بابویه که دانشمندان زیادی به جامعه تشیع عرضه داشتند نباید غفلت کرد. علاوه بر علماء مزبور از افرادی مانند: علی بن حسین بابویه (وفات ۳۲۹هـ) مؤسس مکتب جدید فقهی، [۱۵۳]، احمد بن محمد خالد برقی، ابن قولویه، محمد بن حسن صفار، عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن ابراهیم قمی می توان نام برد که از خاندان مزبور در قم می زیستند.

«وجود این عالمان در قم و ایجاد محفلهای درسی جهت حدیث شناسی، موجب شد این شهر به یکی از مراجع حل و فصل مسائل علمی تبدیل شود، به گونه ای که حتی گفته می شود حسین بن روح نوبختی که یکی از خاندانهای شیعی ایرانی و نائب امام در زمان غیبت صغری بود، کتابی را جهت بررسی، نزد علمای قم فرستاد.» [۱۵۴]

شیخ صدوق از جمله علمای دیگر قرن چهارم است که برای ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام از قم زادگاه خویش به شهرهای مختلف را سفر کرد (ری، بغداد، سمرقند، سرخس، وخراسان، جیحون در این راه زحمات زیادی را متحمل گردید. رکن الدوله دیلمی او را به ری مقرر حکومت خویش دعوت کرد تا به تعلیم و تربیت مردم آنجا پردازد. محدث قمی در پیرامون نقش وی در گسترش شیعه می نویسد:

« به التماس شیعیان ری به آنجا رفت و در آنجا اقامت فرمود. از خراسان و بصره و کوفه و مصر و مدائن و قزوین، به او رجوع داشتند، او قریب سیصد کتاب تصنیف فرمود غالب احادیثی که به ما رسیده از برکات قلم او است.» [۱۵۵]

صاحب بن عباد وزیر موید الدوله که اصلاً ایرانی و اهل اصفهان بود در مدت اقامت خود در اصفهان به قول نویسنده سفینه البحار موجب گسترش تشیع در اصفهان گردید. [۱۵۶] وی در زمان وزارت خویش از هر گونه تلاش برای ترویج مذهب تشیع دریغ نورزید.

شیخ مفید با حضور خود در بغداد و تاسیس حوزه علمیه بغداد در ترویج تشیع در این منطقه بلکه در جهان آن روز، نقش ارزنده ای داشته است. چنانکه ابن کثیر می نویسد «بسیاری از علمای مذاهب مختلف در مجلس دانش او حاضر می شدند.» [۱۵۷]

منابع و مأخذ:

- [۱] (تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۷۳)
- [۲] (ابن اثیر، الکامل، ج ۹، حوادث سال ۳۹۳)
- [۳] (فلاسفه شیعه، ص ۳۶۴، عبدالله نعمری، ترجمه سید جعفر غضبان)
- [۴] (اعیان الشیعه، ج ۴۶، ص ۲۰ تا ۲۶)
- [۵] (نجاشی - رجال، ص)
- [۶] (نجاشی، رجال، ص ۲۹۹)
- [۷] (ابن خلکان، فیات الاعیان،)
- [۸] (ابن کثیر، به نقل از مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۱۳)
- [۹] (نجاشی، رجال، ج ۲۹، ص ۱۰۵)
- [۱۰] (ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ (تهران: دارالکتاب السلامیه، ۱۳۸۴) چاپ، دوم، ص ۴)
- [۱۱] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء،)
- [۱۲] (سنجری، احمد بن محمد بن عثمان بن علی بن احمد شجاع منظر الانسان، ترجمه و فیات الاعیان ابن خلکان، به کوشش فاطمه مدرسی، ج ۱، (ارومیه، دانشگاه ارومیه ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۹۱)
- [۱۳] (نجاشی، الرجال - ص ۲۰۵)
- [۱۴] (طوسی، الفهرست، ایضا نجاشی، الرجال و ...، به نقل از: تاسیس الشیعه، ص ۳۲۶)
- [۱۵] (نجاشی، الرجال، به نقل از: اعیان الشیعه، ج ۱، ص ایضاً تاسیس الشیعه، ص ۳۷۷)
- [۱۶] (نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۴۱۳، شماره ۱۱۹۵ و ۱۱۹۲)
- [۱۷] (طوسی، فهرست، شماره ۸۰۳)
- [۱۸] (نجاشی، الرجال، به نقل از: امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص
- [۱۹] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۰۶)
- [۲۰] (ابن الندیم، فهرست، ص ۲۶۲)

- [۲۱] (نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۲۸۸-۹)
- [۲۲] (صدوق، کمال الدین)
- [۲۳] (صدر، سیدحسن، تاسیس شیعه، ص ۳۷۹)
- [۲۴] (ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۹۳، شماره ۳۰۴)
- [۲۵] (ابن الندیم، ص ۲۶۶)، المقنع فی الامامه (نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۲۹۸-۹)
- [۲۶] (نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۹۲۹۸)
- [۲۷] (به نقل از: امین، سید محسن / اعیان الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۳، ایضا فلاسفه شیعه، ص ۹۴)
- [۲۸] (ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶)
- چاپ سوم، ص ۳۵۹)
- [۲۹] (نجاشی، رجال، به نقل از تاسیس الشیعه، ص ۳۰۱-۲)
- [۳۰] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء)
- [۳۱] (نجاشی، الفهرست، به نقل از: امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۴۶، ص ۶۳)
- [۳۲] (سمعانی، الانساب ...)
- [۳۳] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۴۹)
- [۳۴] (کشف الظنون، ...)
- [۳۵] (ابن خلکان، ...)
- [۳۶] (امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱)
- [۳۷] (مسعودی، مروج الذهب، مقدمه، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)
- چاپ هفتم، ۱۳۸۲، ص ۹-۱۳)
- [۳۸] (تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۱۲)
- [۳۹] (ابن الندیم، الفهرست، ص ۲۵۱-۲)
- [۴۰] (آدم متر، الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع، ج ۱، ص ۳۶۶)
- [۴۱] (امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۴۳ و ۳۷۲، الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۳۸)

- [۴۲] (مفید، الفصول المختاره، ج ۲، ص ۹۹-۸۲)
- [۴۳] (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۹۶)
- [۴۴] (مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۵۶)
- [۴۵] (ابن جوزی، تلیس ابلیس، ص ۴۰-۳۹)
- [۴۶] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۳۷، شماره ۲۲۲)
- [۴۷] (حلی، خلاصه الرجال، ص ۴۰)
- [۴۸] (امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۹)
- [۴۹] (نجاشی - الرجال، شماره ۱۰۳۳، همچنین بغدادی، خطیب، ج ۳، ص ۳۶۵)
- [۵۰] (امین، سید حسن، تاسیس الشیعه، ج ۱۲، ص ۱-۵۰)
- [۵۱] (امین، سید حسن، اعیان الشیعه، ج ۱۲، ص ۱-۵۰ همچنین کنی و الالقاب، ج ۳، ص ۲-۳۹۱)
- [۵۲] (نجاشی، الرجال، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲، شماره ۶۷)
- [۵۳] (ابن الندیم، الفهرست، ص ۲۵۱ و ۲۵۶)
- [۵۴] (گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها (تهران، سمت، ۱۳۷۷، چاپ دوم، ص ۱۶۸)
- [۵۵] (سیاح، احمد، لغت نامه یا فرهنگ بزرگ جامع نوین - ترجمه المنجد عربی) (تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۲ چاپ چهارم)
- [۵۶] (فیض، علیرضا، ص ۱۰۳)
- [۵۷] (شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، موسسه آل البيت الاحیاء و التراث، قم، ۱۴۰۴ ه، ج ۲، ص ۸۵۷، نقل از: محرمی، ص ۲۳۱)
- [۵۸] (گرجی، ص ۵-۱۲۴)
- [۵۹] (محرمی، ص ۲۳۱)
- [۶۰] (صفائی، سید احمد، علم کلام (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۴) چاپ ششم، ص ۷)

- [۶۱] (مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۱۰، به نقل از: معروف الحسنی، هاشم، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید محمد صادق عارف، ترجمه سید محمد صادق عارف (مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹) چاپ سوم، ص ۷ بخش مقدمه مترجم)
- [۶۲] (القزوينی، علاء الدين سيد امير محمد، الشيعة الاماميه و نشاه العلوم الاسلاميه، (بی جا، انتشارات الشريف الرضي، ۱۳۷۱ ش، الطبعة الاولى، ص ۲۲)
- [۶۳] (اتقان سيوطی، ۱۳:۲، به نقل از: مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۶) چاپ سوم، ص ۲۰۴)
- [۶۴] (مدرسی طباطبایی، سید حسین، ص ۲۰۸)
- [۶۵] (ویلفرد، مادلونگ، فرقه های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: اساطیر، ۱۳۸۱) چاپ دوم، ص ۳۵،
- [۶۶] (مادلونگ، ص ۱۳۵)
- [۶۷] (صفری فروشانی، ص ۳۵)
- [۶۸] (دوانی، علی، مفاخرالسلام، ج ۳ (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸) چاپ دوم، ص ۲۳۱)
- [۶۹] (ابن ندیم، ص ۳۶۶)
- [۷۰] (دوانی، ج ۳، ص ۱۰۹) کتاب «الفر الکمر» را در کلام نگاشته است (العاملی، السید محسن الامین، ص ۴۶۸)
- [۷۱] (علامه بحر العلوم، فوائد رجالیه، به نقل از دوانی، ج ۳، ص ۱۹۲)
- [۷۲] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء: ۲۲۷. به نقل از: العاملی، السید محسن، الشيعة فی مسارهم التاريخی (بیروت، موسسه دایره معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۶ ق) الطبعة الثانية، ص ۴۶۷)
- [۲۳] (ابن الندیم، الفهرست، ۲۳۹. به نقل از: العاملی، السید محسن الامین، ص ۴۶۸)
- [۷۴] (اول قرن چهارم) (همان، ص ۴۶۸)
- [۷۵] (همان، ص ۴۶۹)

[۷۶] (همان، ص ۴۶۹)

[۷۷] (همان، ص ۴۶۹)

[۷۸] (همان، ص ۴۶۹)

[۷۹] (نجاشی، رجال: ۲/۲۸۹. به نقل از: العاملی، السيد محسن الامین، ص ۴۶۹)

[۸۰] (همان، ص ۴۷۰)

[۸۱] (فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول) تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹) چاپ یازدهم، ص ۳۰)

[۸۲] (مدیر شانه چی، کاظم، تاریخ حدیث (تهران: سمت، ۱۳۸۵) چاپ چهارم، ص ۱۰)

[۸۳] (رجال النجاشی؛ موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، قم، ۱۴۰۷ هـ.ق، ص ۴-۹، به نقل از: محرمی، علی، تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری (قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۸۴) ص ۲۸۰)

[۸۴] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، منشورات مطبعه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۰ هـ.ق، ص ۴۰، به نقل از: محرمی، ص ۲۲۶)

[۸۵] (محرمی، ص ۲۲۶)

[۸۶] (مدیر شانه چی، ص ۱۰۳)

[۸۷] (گرجی، ابوالقاسم، ص ۱۲۴)

[۸۸] (گرجی، ص ۱۲۵)

[۸۹] (نجاشی، رجال، ۲/۲۹۵. به نقل از: العاملی، سید محسن الامین، الشیعه، فی مساره‌م التاریخی (قم: موسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۶) الطبعة الثانی، ص ۴۹۹)

[۹۰] (نجاشی، رجال، ۲۱/۲۹۵، به نقل از: عاملی سید محسن امین، ص ۴۹۹)

[۹۱] (تذکره الحفاظ، الذهبی، ۳/۱۱۳۱، به نقل از: العاملی، سید محسن امین، ص ۴۹۹)

[۹۲] (تذکره الحفاظ الذهبی: ۳/۱۱۳۱، العاملی، سید محسن امین، ص ۴۹۹)

[۹۳] (العاملی، سید محسن امین، ص ۵۰۰)

[۹۴] (همان، ص ۵۰۱)

[۹۵] (همان، ص ۵۰۱)

[۹۶] (اخلاقی، ص ۸۶)

[۹۷] (شیلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، به نقل از: اخلاقی،

ص ۱۶۰)

[۹۸] (غنیمه، ص ۱۶۵)

[۹۹] (نجاشی، رجال، ص ۳۷۲، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۷۴)

[۱۰۰] (موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر، روضات الجنات، ص ۵۷۵)

[۱۰۱] (مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین، ج ۱، ص ۸۷، جعفری، محمد مهدی، سید رضی، ص ۴۴،

به نقل از موسوی، سید حسن، ص ۱۶۷)

[۱۰۲] (مایر هوف، ص ۱۶، به نقل از: غنیمه، ص ۹۲)

[۱۰۳] (غنیمه، ص ۹۳)

[۱۰۴] (اخلاقی، محمد علی، شکل گیری سازمان روحانیت شیعه، (تهران: موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۴)

چاپ اول، ص ۱۷۲)

[۱۰۵] (گرچی، ص ۱۳۴)

[۱۰۶] (دوانی، ج ۳، ص ۳۵)

[۱۰۷] (دوانی، ج ۳، ص ۵۴)

[۱۰۸] (دوانی، ج ۳، ص ۶۵)

[۱۰۹] (دوانی، ج ۳، ص ۱۲۰)

[۱۱۰] (دوانی، ج ۳، ص ۱۲۹)

[۱۱۱] (دوانی، ج ۳، ص ۱۳۹)

[۱۱۲] (دوانی، ج ۳، ص ۱۷۴)

[۱۱۳] (دوانی، ج ۳، ص ۱۸۸)

- [۱۱۴] (دوانی، ج ۳، ص ۲۴۲)
- [۱۱۵] (دوانی، ج ۳، ص ۲۶۴)
- [۱۱۶] (قروینی، شیخ عبدالجلیل، النقص، ص ۵۰ به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۲۶۴)
- [۱۱۷] (ابن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی، ج ۹، ص ۸)
- [۱۱۸] (مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۴۴۹)
- [۱۱۹] (خوانساری، میرزا محمد باقر موسوی، رضات الجنات، ص ۵۷۵)
- [۱۲۰] (بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۴۰۳)
- [۱۲۱] (قم، موسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱) چاپ اول، ص ۱۷۲)
- [۱۲۲] (نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، ص ۹-۳۳۸، به نقل از: موسوی، سید حسن، ص ۱۷۳)
- [۱۲۳] (دوانی، ج ۳، ص ۵۱)
- [۱۲۴] (نجاشی، رجال، ص ۹۴، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۵۷)
- [۱۲۵] (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، چاپ نجف اشرف، ص ۱۶، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۵۷)
- [۱۲۶] (قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۱۰۹ به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۸۶)
- [۱۲۷] (دوانی، ج ۳، ص ۹۸)
- [۱۲۸] (طوسی، الفهرست، ص ۱۵۶، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۱۰۵)
- [۱۲۹] (طوسی، الفهرست، ص ۵۴، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۱۰۸)
- [۱۳۰] (دوانی، ج ۳، ص ۱۲۳)
- [۱۳۱] (طوسی، الرجال، ص ۴۵۸، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۱۳۱)
- [۱۳۲] (دوانی، ج ۳، ص ۱۴۸)
- [۱۳۳] (قمی، شیخ عباسی، فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۱۴۳، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۱۸۷)
- [۱۳۴] (دوانی، ج ۳، ص ۲۰۳)
- [۱۳۵] (نجاشی، رجال، ص ۴۳۹، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۲۱۲)

- [۱۳۶] [نجاشی، رجال، ص ۶۹، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۲۲۳]
- [۱۳۷] [حموی، یاقوت، معجم الادبا، ج ۲، ص ۲۰۲، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۲۲۴]
- [۱۳۸] [نجاشی، رجال، ص ۴۰۲، طوسی، الفهرست، ص ۱۵۸، معجم رجال حدیث، ج ۱۷، ص ۲۳۲، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۲۴۵]
- [۱۳۹] [میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۶ و ۳۰، به نقل از دوانی، ج ۳، ص ۲۴۳]
- [۱۴۰] [ابن خلکان، وهیات الاعیان، ج ۳، ص ۳، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۲۶۲]
- [۱۴۱] [شوشتری، نورالله، مجالس المومنین، ج ۱، ص ۵۰۲، به نقل از: دوانی، ج ۳، ص ۲۶۳]
- [۱۴۲] [دوانی، ج ۳، ص ۲۶۵]
- [۱۴۳] [دوانی، ج ۳، ص ۲۸۴]
- [۱۴۴] [دوانی، ج ۳، ص ۱۴۸]
- [۱۴۵] [تهران، المکتبه المرتضویه، ص ۳۶۵، به نقل از: فروشانی، ص ۱۲۶]
- [۱۴۶] [صفری فروشانی، ص ۱۲۶]
- [۱۴۷] [مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم هجری (تهران، اشراقی، ۱۳۶۲ش) چاپ سوم، ص ۱۵۱]
- [۱۴۸] [محرمی، غلامحسین، تاریخ تشیع از آغاز تا پایان عصر غیبت (تهران، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۸۴، چاپ سوم، ص ۲۱۶)
- [۱۴۹] [رساله اعتقادات صدوق: ۱۰۱]
- [۱۵۰]. « [صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان - کاوشی در جریانها و برآیندها» (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸) چاپ اول، ص ۳۶۱.
- [۱۵۱] [رجال النجاشی، رجال ص ۱۷۸، ۱۷۷ به نقل از: صفری فروشانی، ص ۱۷۱]
- [۱۵۲] [تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸]
- [۱۵۳] [ابن بابویه علی بن حسین، الامامه و البصیره من الحیره، ص ۱۳۲]

[۱۵۴] (طوسی، محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۳۷، به نقل از: شیرخانی علی، تشیع و روند

گسترش آن در ایران (قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲) چاپ اول، ص ۸۰)

[۱۵۵] (قمی، فوائد رضویه، ص ۵۶۲، به نقل از؟؟خانی، ص ۸۵)

[۱۵۶] (قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳-۴ (به نقل از: شیرخانی، ص ۸۶)

[۱۵۷] (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۲، ص ۱۵، به نقل از: بشیر خانی، ص ۸۸)